

۱. چند سؤال از حزب توده

۲. بررسی سیاست فعلی حزب توده

۳. پاسخ به مقاله روزنامه مردم

(ک. آرش)



### مقدمه

در حزب توده همیشه این سنتی بوده است که همه کاره رهبران و افراد کمیته مرکزی باشند، و در حال حاضر از قماش قدیمی و همه کاره آقای کیانوری است که بقول خودش با کوله باری از تجربیات گذشته رهبری نسل جدید حزب نیز به عهده اوست و اوست که همیشه با دارو دسته بازی فعال مایشاء بوده است و اوست که همیشه سیاستهای پشت پرده ای این حزب را رهبری میکند، بدانجهت این نامه خطاب به چنین عنصری بوده است.

### آقای کیانوری دبیر اول حزب توده ایران!

ما نویسندگان این نامه از اعضاء و طرفداران سابق حزب توده میباشیم و اکنون بدلایلی که در زیر بدانها اشاره رفته است. حزب توده را فاقد مشخصات حزب طبقه کارگر دانسته و چریکهای فدائی خلق را تنها گروه راستین و مؤمن به مارکسیست - لنینیست دانسته و جزو طرفداران این فرزندان راستین خلقهای ایران و تنها مبارزان واقعی راه طبقه کارگر ایران میباشیم. ما از شما و از سایر رهبران آن حزب میخواهیم که به سئوالات چندی که در زیر مطرح میشود بصورت تحلیلی در روزنامه ارگان آن حزب "مردم" پاسخ دهید.

آقای کیانوری مگر شما نبودید که پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ فرار را بر قرار ترجیح دادید؟ و پس از یک ربع قرن مراجعت نموده اید؟ شما چرا به عنوان یکی از رهبران یک حزب مارکسیستی فرزندان مؤمن این خلق را که یکی

از آنها را نیز که مانند ما در حزب توده گمنام نبود " خسرو روز به " راهمانطور که خانم شما مریم فیروز در کتاب " چهره‌های درخشان مبارزان ایران " نام برده و تاءئید کرده بدون جا و مکان در میدان مبارزه تنها گذاشتید و فرار کردید؟ خودتان را موجود خیلی گرانبها میدانستید، یا فرار کردید که رد گم کنید و دوباره پس از مدت کوتاهی برگردید و مبارزه کنید؟ آخر شما برای ۲۵ سال فرار از صحنه مبارزه چه دلیلی دارید؟ اگر در غیاب شما مبارزه‌ای نبود و کسی جرات نمی‌کرد مبارزه‌ای بکنند ما جواب خود را داشتیم، ولی ما و مردم شرافتمند ایران شاهد مبارزه دو گروه از بهترین فرزندان خود بودیم. آنها را حتماً می‌شناسید و اگر بدایلی که خود را تبرئه نمائید منکر مبارزه آنان نشوید آنها " فدائیان خلق " و " مجاهدین خلق " بودند.

آقای کیانوری شما دبیر اولی حزب توده را چگونه بدست آورده‌اید؟ با انتخاب واقعی و دمکراتیک در همه سطوح حزب؟ یا از همان اول که چند نفری حزب را تشکیل دادید بین خودتان یکی را دبیر اولی انتخاب کردید و بعد از هر شکست و متهم شدن دبیر اول وقت باز یکی آاز میان همان عده به دبیر اولی انتخاب شد؟ کدام کارگر و کدام کارگرا تاکنون در کمیته مرکزی حزب توده وجود داشته‌اند؟ با کدام طبقه کارگرای ایرانی شما و حزب شما در این مدت ۲۵ سال در مبارزه هم‌سنگر بوده‌اید و بخاطر این طبقه در این ۲۵ سال چه مبارزه‌ای کرده‌اید؟ شما خجالت نمی‌کشید نام حزبتان را " حزب طراز نوین طبقه کارگر " گذاشته‌اید؟ آن زمان که کارگران کارخانه " چیت جهان " در کرج در مبارزه با رگبار مسلسل‌های شاه سفاک ده‌ها زخمی و قربانی دادند شما و حزب شما کجا بودید؟ راستش اینست که جرأت اظهار وجود نداشتید و بدستور سکوت شما نیز کسی توجهی نداشت، چون این مردم ستمکش شماها را حزب شناخته بودند. شما به خیال خود با انتشار روزنامه مردم در یک کشور سوسیالیستی و رسانیدن و پشت کردن آن به آدرس چند دانشجوی ایرانی در اروپا کار رهبری طبقه کارگر ایران را بعهدده داشته‌اید!

واقعا باید مردم ایران پس از بیزیر کشیدن شاه خائن که شما جرأت مراجعت پیدا کرده بودید برای شما اسپند دود می‌کردند و گلاب بر سرتان می‌پاشیدند، که پهلوانان پنبه‌ای شان بوطن برگشته‌اند! در غربت هم از تناقض گوئی بدور نبودید، گاهی

اوقات "اقدامات دمکراتیک "ظل‌الله" را نیز بوسیله "بوق رادیو ملی" تأیید میکردید " این بستگی باین داشت که چگونه بادی و از کدام سمت به شما بوزد . چون خروشچف دیگر مبارزات آزادیبخش را تأیید نمیکرد و یا روابط حسنه کشور اتحاد جماهیر شوروی با رعایت اصل همزیستی مسالمت‌آمیز با کشورهای جهان و از جمله ایران ایجاب نمیکرد که باد تو آستین شما پهلوانان پنبه‌ای بکند . شما هم که مرد عمل نبودید سکوت را ترجیح دادید . اما با همه کج‌اندیشی‌های آنزمان ملت کوبا به رهبری رهبران شایسته‌از طریق جنگ آزادیبخش، پیروزمندانه حکومت سوسیالیستی را برقرار نمود و ملت ویتنام تا پیروزی نهائی به جنگ آزادیبخش ادامه داد ، ولی حزب شما و بخصوص شما رهبران حزب توده هیچگاه قادر نبودید روی پای خود بایستید . این را ما با صدای بلند میگوئیم تا بلکه گوش سنگین شما بشنود ! شما در اعلامیه کمیته مرکزی بمناسبت سی‌وهشتمین سالگرد تأسیس حزب توده در آنجائیکه اشاره میکنید "نیمه راهان و وازدگان که به‌آمال و آرزوی خود خواهانه خود نرسیده و نتوانسته بودند حزب را به‌عنوان نردبان ترقی خود قرار دهند حزب توده ایران را از درون منفجر سازند" .

منظور شما در اینجا اشاره به چه کسانی است؟ آیا منظورتان فریدون کشا و رز رادمش - اسکندری - قاسمی - یزدی - بهرامی و . . . همانهایی که با شما افراد کمیته مرکزی را تشکیل میدادند که خود شما و ما بخوبی میدانیم که آقایان چه کردند و چگونه شد سرنوشت آنها ، اگر منظورتان این آقایان هستند اینها که جزو ترقی کرده‌ها بودند بعضی از آنها هم وزیر بودند و معروف و در حزب هم جزو سرکردگان و همانها آنچه کردند که نباید میکردند . ما هم که آمده بودیم مبارزه کنیم و جان فدای پیروزی این ملت ستمکش با ما آن کردید که نباید میکردید بدست دشمن اسیرمان کردید و خود متواری شدید پس در اینجا منظورتان کیست و چیست؟ شاید قلم از اختیار دررفته و فقط جمله پردازی کرده‌اید؟ آقای کیانوری اگر شما وعده‌ای از رهبران فعلی خود را مبری از آلودگیها و کج‌اندیشی‌های کمیته مرکزی میدانید چرا از دسته بندیهای کمیته مرکزی حزب و علل شکستهای مرگبار حزب توده در گذشته در نشریات خود تحلیلی نمیکنید؟ ما واقعا دلمان میخواهد بدانیم افرادی مثل عموی - خاوری و . . . که مدت ۲۵ سال در زندان درخیم

بزرگ ماندند و باو لبیک نگفتند چگونه با شما بزیر یک سقف رفته اند. البته ناگفته نماند که دور بودن از زندگی و حوادث و عدم کسب دانش سیاسی مستمر عقب ماندگی فکری بوجود میآورد. آقای کیانوری چطور شد سازمان افسران حزب توده لورفت و چرا کمیته مرکزی آنقدر مسامحه کاری کرد که بتدریج همه آن افسران شرافتمند را فرماندار نظامی به بند کشید. راستی چرا کمیته مرکزی نگذاشت آدمها مثل خسرو روزبه تکان بخورند و بعد خودش را هم آواره گذاشتید و فرار کردید و ما تازه به لورفتن این مبارز بزرگ به بعضی ها که اکنون در حزب شما دست اندر کارند مشکوکیم، راستی چرا کمیته مرکزی حزب توده در خارج از ایران و انتشار آخرین دفاع این رادمرد بزرگ اینهمه اختلاف سلیقه داشت و آخرهم در آنجائیکه خسرو افرادی را مسئول لورفتن خود معرفی میکند شماها فقط به نام عظیم عسگری اکتفا نموده اید؟ شما در اعلامیه کمیته مرکزی بمناسبت سی و هشتمین سالگرد تأسیس حزب توده نوشته اید "نیروهای کم تجربه چپ با برخی برخوردهای نادرست و غیر واقع بینانه آب به آسیاب ضد انقلاب میریزند و راه را برای پیشرفت آن هموار میسازند" منظورتان از نیروهای کم تجربه افراطی چپ کدام نیروهاست؟ و چه آبی به آسیاب انقلاب ریخته اند؟ بهتر نبود در لفاظیه حرف نمیزدید و مثل یک کمونیست شجاع بودید و تحلیل روشنتری میکردید؟ چون از خصایص بارز مارکسیست - لنینیست ها اینستکه همیشه از قضایا تحلیلهای رئالیستی میکنند ما یکی از گروه های چپ را سازمان پرافتخار چریکهای فدائی خلق میدانیم که این خود حاصل تجربه های تلخ مارکسیست ها در جامعه ما میباشد. این سازمان امروزه مثل شما با دولت نماینده بورژوازی و خرده بورژوازی، خود را هم پالکی نمیداند و لاس هم نمیزند. التماس هم نمیکند که او را بگذارند فعالیت کند و بده و بستان هم نمیکند و بدانجهت است که در قلب میلیونها انسان این مملکت و بخصوص زحمتکشان جای دارد. قطعاً میدانید که این سازمان اصیل مارکسیستی چگونه بوجود آمده است و چگونه در شرایطی که شما باورتان نمیشد، در زمان یکی از بزرگترین دیکتاتورهای قرن حاضر مبارزه کرده است و بافدا کردن صدها تن از شایسته ترین انسانهای عضو خود به موجودیت خود تا زمان حاضر ادامه داده است. آنچه که حتی در تصور سران حزب توده هم نمیکند و آنرا یک نوع انتحار توجیه میکردند

شاید مبارزه را در آن عصر آریامه‌ری چپ‌روی افراطی میدانید؟! و شاید ۸ سال مبارزه سراسرخونین را در دوره سفاکترین پلیس مخفی جهان بی‌تجربگی میدانید؟! بهمین دلایل خردمندانه بود که حزب توده را تعطیل کرده بودید؟! دیدید و دیدیم همین سازمان اصیل بود که همراه خلق ستمکش در بهمن ماه سال گذشته که از پادگان فرح‌آباد شروع و منجر به آشکاشیدن تمام لانه‌های فساد شد با یک قیام مسلحانه انقلاب را با "رهبری" از مرحله‌ای به مرحله‌ای دیگر انتقال دادند آنگاه که در خیابانهای تهران سیل خون بدست شاه‌خائن به راه افتاده بود شما کجا بودید؟ آقای کیانوری شما باید از همچون سازمانی شخصا خیلی ممنون باشید که عمل آنها باعث شد شما بتوانید به ایران برگردید.

آقای کیانوری دور بودن از زندگی و مبارزه مردم این مملکت برای یک ربع قرن واقعا هم فراموشی و نسیان بار می‌آورد، راستی شما موقعیکه پس از اینمدت وارد ایران شدید همه چیز برایتان بیگانه نبود؟ بدینجهت اظهار نظر فیلسوفانه شما هم برای مردم این مملکت که بر سر سفره حاضر او نشسته‌اید و پر حرفی میکنید ابلهانه و خنده‌دار است. امثال شما در ذهنشان داعیه رهبری طبقه کارگر و زحمتکشان ایران را دارند، آخر شما چگونه مبارزی هستید که درست عمریک نسل را از میدان مبارزه دور بوده‌اید و حالا ادعا میکنید حزب توده "حزب طراز نوین طبقه کار ایران است" و شاید ادعا کنید که حزب توده هم‌گاهی در اینمدت در صحنه سیاسی این مملکت بوده‌است، این بگفتنش نمی‌آورد، هنوز عده‌ای از مبارزان این مملکت فراموش نکرده‌اند که در تشکیلات تهران و جنوب تحت رهبری عباس

---

۱- (رهبری خود بخودی بوده) ولی شاهدان عینی و صدیق گواه آن بوده‌اند که آنگاه که همافران در محاصره افراد گارد سلطنتی در پادگان فرح‌آباد بوده‌اند برای اولین بار افراد مسلح از چریکهای فدائی خلق خط محاصره افراد گارد سلطنتی را شکستند و به همافران یاری کرده‌اند. چون اینعمل برای اولین بار بوسیله این افراد اتفاق افتاده این رهبری و نشان دادن توده خشمگین و عاصی و خسته از عمل تکراری تظاهرات غیر مسلح به روش جدید و برهنگشایی از بن بست میباشد این در آن لحظه برای عبور از تنگنا میشود، رهبری، و کلمه‌ای برای این پروسه جز این شایسته نیست.

شهریاری معدوم برای ساواک کار میکرده‌اند رهبران حزب توده خیلی کم جوانان این مملکت را بدست دژخیمان سپرده‌بودند که باز بدست این عنصر کثیف عده‌ای را بدست جلاد سپردند؟ عمل این عنصر کثیف طوری دوباره صداها را در گلو خفه کرد که اگر از خود گذشتگی شهدای فدائیان و مجاهدین خلق نبود و بقول شما اگر این عناصر شریف "انتخار نمی‌کردند" هنوز هم سایه دیکتاتور بر سر این مردم بود اگر آن عنصر کثیف از طرف فدائیان بجرم خیانت عظیمی که کرده بود اعدام انقلابی نشده بود لابد حالا باو هم اعاده حیثیت میشد چون دیگر رهبران حزب توده پس از کودتای ۲۸ مرداد کمتر از او نکردند و حالا داعیه رهبری طبقه کارگر این مملکت را دارند، ما می‌گوئیم حزب توده پس از یکسال از کودتای ۲۸ مرداد همزمان بالورفتن سازمان افسران وابسته بآن حزب، مرد، این حزب را تاریخ با پرونده‌های از خیانت و سهل انگاری رهبران آن بگور سپرد. آقای کیانوری حال که دوباره جرأت به ایران آمدن پیدا کرده‌اید میل به سیاست بهتر نبود مثل رفقای کمیته مرکزیتان که انشعاب کرده‌اند و هر یک اسمی به روی سازمانشان گذاشته‌اند شما هم اسم دیگری روی تشکیلات خود می‌گذاشتید. باور کنید نسل حاضر و مبارز ایران خیلی با سواد ترو هشیارتر از آنند که به حزب توده‌ای با آن کیفیت گذشته و با این کیفیت امروز روی آورند. آقای کیانوری بطوریکه در نوشته‌های، از جمله، "من حزب توده را متهم می‌کنم - نوشته کشاورز" آمده است باز هم شما نسبت بسایر رفقاییتان به مارکسیسم آشنا تر هستید و در سیاست بقول آنها قاطع تر چگونه شعار "جبهه واحد خلق" به رهبری نماینده خرده بورژوازی را می‌دهید؟ و چگونه از کلمات قصار این رهبران در روزنامه بقول خودتان طبقه کارگر "مردم" بخورد خواننده می‌دهید؟ چرا از فرمایشات آقایان که کمونیستها را نجس خطاب میکنند چیزی نمی‌نویسند؟ یا شعارهای دیگر آقایان را بازگو نمی‌کنید و چرا بعنوان یک مارکسیست که ادعای آنرا دارید، خود و حزبتان را در آن موضع و از طبقه کارگر در مقابل سرمایه دار دفاع نمی‌کنید؟ چرا مثل دشمنان کمونیستها آنها را گروه‌های افراطی خطاب می‌کنید؟ در کجای دنیا مارکسیست - لنینیستها رهبر را از نماینده بورژوازی انتخاب و "جبهه واحد خلق" را به رهبری او تشکیل داده‌اند؟ که شما شعار جبهه واحد خلق را به رهبری امام خمینی می‌دهید؟ جبهه



واحد خلق میتوانست قبل از انقلاب بهمن ماه سال گذشته به رهبری کمونیست‌ها با دربرگرفتن قسمتی از خرده بورژوازی و عناصر ملی آزادیخواه برای مبارزه و درهم کوبیدن دیکتاتوری شاه و بورژوازی وابسته در صورت رهبری صحیح، شعار مناسب و عملی شایسته باشد ولی حال که خرده بورژوازی یکی از عناصر تشکیل دهنده حکومت و حتی رهبری آنرا تا حال تصاحب نموده و روی تضاد طبقاتی و منافع کمونیست‌ها هم درحرف و هم در عمل از طرف رهبری انقلاب و حکومت طرد میشوند ولبه تیز مبارزه حکومت وقت بسوی آنهاست با ائتلاف با رهبری خورده بورژوازی که خود حاکم است و در ادامه تکامل خود به همان بورژوازی وابسته تکامل خواهد یافت چه هدفی را دنبال میکنید؟ این نفی مبارزه طبقاتی نیست و شما رهبران حزب توده چگونه ادعای مارکسیست بودن را دارید؟ چه وجه مشترکی بین حکام جدید که همان سرمایه‌داران میباشند با طبقه کارگری که از طرف آنها استثمار میشود وجود دارد که آن‌دو را دعوت به آشتی میکنید و میخواهید با آنها "جبهه واحد خلق را تشکیل دهید؟؟

برای مارکسیست‌های واقعی جهت ایجاد یک جامعه سوسیالیستی یک راه بیشتر وجود ندارد و آن تحکیم صفوف خود و رسیدن بوحدت نظر و آگاهی دادن و متشکل کردن توده‌های محروم و جهت‌دهی آنها بسوی ضد سرمایه‌داری و ضد استعماری برهبری طبقه کارگر و بالاخره خردکردن بورژوازی با قهر انقلابی پرولتاریا میباشد زیرا عدول از این اصل فنا ناپذیر خیانت به مارکسیسم است تاریخ مبارزه حزب توده در گذشته ضمن آلودگی به اپورتونیسیم در جهت پارلمانناریسم نیز بوده است. کجای دنیا احزاب کمونیست بدون قهر انقلابی به حکومت رسیده‌اند و اگر مثل شیلی - آلمنده برای یکبار پیروزی از این راه میسر شده سرمایه‌داران و امپریالیست‌های جهان خوارگذاشته‌اند آنها به حکومت خود ادامه دهند؟ شیلی آلمنده بعلت عدول از همین اصل و عدم تجهیز توده‌های محروم برهبری طبقه کارگر در مقابل سرمایه‌داران و امپریالیست‌های تا دندان مسلح بالاخره در اثر توطئه امپریالیسم جهان‌خوار با یک کودتای نظامی با شکست جبران ناپذیری مواجه شد. آیا امپریالیست و رهبران نظامی کودتای در شیلی میتوانست این معامله را با توده متشکل و مسلح انجام دهد؟ جواب این سؤال را گذشته خیلی از ملت‌ها که انقلاب سوسیالیستی در جوامع

آنها بوقوع پیوسته داده است. آن "هرگز" میباشد. ما توده‌ایهای سابق هیچگاه فراموش نخواهیم کرد وضع حزب توده را قبل از ۲۸ مرداد و سپس در رویارویی با توطئه مذکور همیشه حرف و حرف، بالاخره روز عمل بعلت عدم آمادگی و تجهیز توده‌ها در مقابل دشمن توطئه‌گر در مانده و عاجز و بالاخره شکست توأم با افتضاح برای حزب و بدبختی و اسارت مجدد برای خلقهای ایران و باز در حیات مجدد این حزب راه همان راه حرکت همان حرکت!! آقای کیانوری، چگونه شما و رفقای دستگاه رهبری حزبتان بقول خودتان پس از یک عمر مارکسیستی اندیشیدن این واقعیت عینی جامعه ما را درک نمیکنید و دوباره در صدد آشتی با حکومت وقت میباشید و سعی در به بیراهه کشیدن انقلاب آینده ایران دارید. نباشد مانند دکتر مرتضی یزدی‌ها باز هم در دستگاه رهبری حزبتان در اکثریت باشد؟ قطعاً بخاطر می‌آورید که این شخص برای جلب ترحم دژ خیم بزرگ "شاه مخلوع" چه استغاثه‌ای کرده بود. "من یکی از خدماتم در دستگاه رهبری حزب توده ایران به آن عظیم‌الشان این بود که پس از قیام ۲۸ مرداد دستگاه رهبری حزب را از اقدام مسلحانه علیه شما برحذر داشتم." نقطه نظرهای دستگاه رهبری حزب توده که در روزنامه مردم منعکس است باکمال تأسف حتی فاقد محتوای مردم قبل از ۲۸ مرداد میباشد شما چگونه میتوانید با این طرز تفکر ادعای مارکسیست بودن بکنید؟ و با این برداشت و درکی که از جامعه فعلی ایران دارید، چگونه خواهید توانست نسل هوشیار و آگاه‌تر امروزی ایران را به حزب خود جذب نمائید؟ این را آینده به شما و بهما و مردم ما

۱ - (شیلی - آئنده) درست زمانی بود که خروشچف قانون تکامل تاریخی کشف شده بوسیله مارکسیسم - لنینسیم را به طریق دیگری حل و فصل مینمود که مشتمل بود بر "همزیستی مسالمت آمیز" "عبور مسالمت آمیز" به سوسیالیسم و بالاخره نفی مبارزات مسلحانه انقلابی خلقها در نهضت شیلی اگر کمونیستها همه کاره نبودند حداقل مثل هر انقلاب به سوی جمهوری دمکراتیک یکی از هسته‌های دستگاه رهبری آن بوده‌اند. ولی با توجه به زمان خروشچف کمونیستها هم در بعضی از نقاط دنیا به تبعیت از این تز و به روش روز اقدام میگردانند و از آن جمله است شیلی آئنده!

شان خواهد داد . دوباره گفته و نظر خود را تکرار میکنیم :

" برای مارکسیستهای واقعی جهت ایجاد یک جامعه سوسیالیستی یک راه بیشتر وجود ندارد و آن تحکیم صفوف خود و رسیدن بوحث نظر و آگاهی دادن و متشکل کردن توده‌های محروم و جهت دهی آنها به سوی ضد سرمایه‌داری و ضد استعماری به رهبری طبقه کارگر و بالاخره خرد کردن بورژوازی با قهر انقلابی پرولتاریا میباشد .

بررسی سیاست فعلی حزب توده ایران :

برای رسیدن به حقیقت آنچه را که باید در تحلیل علمی یک جامعه و شناخت گروه‌ها و احزاب و راه و روش آنها بدور انداخت تعصب و یک‌بعد نگری است . در غیر اینصورت به نتیجه‌گیری نادرست خواهیم رسید و راه و روش انتخابی ما نادرست خواهد بود ، با رعایت این نکته حزب توده را در تئوری یک حزب با اندیشه مارکسیست - لنینیستی قبول و سیاست فعلی این حزب را که با این اندیشه درکنار خرده بورژوازی و نماینده آن روحانیت در شرایط فعلی جبهه‌گیری نموده است بررسی و ارزیابی میکنیم :

پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ عده‌ای از رهبران حزب توده که به خارج از کشور فرار کرده و بمدت قریب ۲۵ سال در غربت بسر میبردند در آنجا با تحلیل ذهنی از قیام مردم در سال ۱۳۴۲ که عمدتاً این قیام به رهبری روحانیت و در رأس آن امام خمینی قرار داشت باین نتیجه رسیدند که با روحانیت مبارز علیه دستگاه حاکم میتوان همکاری نمود ، بهمین جهت می‌بینیم پس از پیروزی انقلاب ایران در سال گذشته به رهبری روحانیت این حزب بر مبنای نتیجه‌گیریهای قبلی همگامی و همراهی با حکومت فعلی را به عنوان خط مشی حزب قبول نموده و دنبال مینماید . دور بودن از مبارزه سیاسی دائم و مستمر به مدت ۲۵ سال نتیجتاً به کار بستن چنین نتیجه‌گیری در حال حاضر است . گرچه حزب توده تحلیلی از دولت کنونی بعمل نیاورده و "پدیده‌های اجتماعی عصر ما را ماورای بغرنج میداند" ، نقل از روزنامه مردم شماره ۷۶ مورخ ۵/۸/۵۸ تحت عنوان "اتحاد ضامن پیروزی است" . ولی از حرکت و جبهه‌گیری آن پیدا است که این حزب در حال حاضر مدعی کسب قدرت مطلقه حکومت را دو گروه ، یکی

بقایای بورژوازی ملی که در حال حاضر قسمتی از آن حکومت را بدست دارد ( و قسمتی از آن نیز بدلایلی که اگر قرار شود حکومت بدانها انتقال داده شود کنارگیری و رزرو شده است ) و دیگری خرده بورژوازی که روحانیت حاکم بدان پایگاه اجتماعی متعلق است می‌شناسد . بنظر این حزب، بورژوازی ملی که اینک به جایگاه بورژوازی کمپرادور تکیه زده دشمن اصلی پیشروی انقلاب به سوی سوسیالیسم میباشد. بنابراین این با او مبارزه و افشاگری نموده و معتقد است او را باید اول فلج نمود، بطوریکه این جناح از حکومت کنارگیری نماید بدین دلیل جناح دیگر حکومت را که نماینده خرده بورژوازی است و بنا به خصلت و پایگاه اجتماعی این جناح تا حدودی میتواند در حل مسایل اجتماعی در جهت خواست توده‌های پائین‌تر اجتماع پیش رود و با شعارها و خواسته‌های آن حزب هم‌آهنگی داشته باشد در مقابل تقویت مینماید. هدف حزب توده اینست که اگر در قبضه کردن قدرت کامل حکومت ، روحانیت پیروز گردد و بقایای بورژوازی ملی را از مصدر قدرت دور نماید چون روحانیت به تنهایی قادر نیست دستگاه پیچیده و ماشین عظیم اداری مملکت را بگرداند حکومت از هم میپاشد و در آن حالت خاص و خلاء قدرت گروه ثالث که مارکسیست‌ها میباشند و حزب توده مدعی است که رهبری اصلی آنها را بعهدده دارد میتواند بقدرت بخزد . در واقع حزب توده با اینکار برای وجود داشتن و تشکیلات دادن به حزب و تحکیم موقعیت خود و خزیدن به جلو فقط از نظر تاکتیکی با روحانیت از در دوستی درآمده است ضمناً حزب توده همیشه به عامل جهانی نیروهای تعیین کننده بیشتر از عامل خودی بها میدهد. یکی از دلایلی که اکنون نیز از طرف دستگاه رهبری برای اقامه دلیل در رویارویی با کودتای ۲۸ مرداد ارائه میشود اینست که عامل جهانی آنروز این بود که در صورت مقابله با کودتای ۲۸ مرداد امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا به نفع شاه و دار و دسته‌اش دخالت نظامی میکرد. ولی اینگونه توجیه از دستگاه رهبری که بدون سابقه و صلاحیت انقلابی در همان روزهای نخست تشکیل حزب بر مسند رهبری تکیه زده‌اند و بدون اینکه تربیت انقلابی شده باشند بعید بنظر نمیرسد، در صورتیکه درست این بود که پس از ۲۸ مرداد حزب توده پروسه اقتصادی و سیاسی را به اقدام سیاسی - نظامی تبدیل نماید .

حداقل نتیجه‌ای که از اینکار گرفته میشد این بود که امپریالیسم آمریکا

حامی شاه و دار و دست‌هاش مانند قیام سی تیر ۱۳۳۱ مردم، برای برکناری قوام السلطنه از نخست وزیری تن به صدارت دکتر محمد مصدق میدادند. حال قبل از نتیجه‌گیری از روش اعمالی حزب توده با هم مروری به کتاب، تاریخ معاصر، تاریخ حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی تاریخ سرنگون ساختن تزارسم، سرنگون ساختن حاکمیت ملاکین، سرمایه‌داران، تاریخ در هم شکستن مداخله مسلح خارجی می‌کنیم و مطالعه مجدد آنرا مخصوصاً فصل هفتم (آوریل ۱۹۱۷ - ۱۹۱۸) را که با شرایط کنونی کشور ما قابل انطباق است به همه م - ل ها توصیه می‌کنیم.

"انقلاب فوریه در روسیه انقلاب بورژوازی دمکراتیک بود" نقل از صفحه ۲۱۰ در این شرایط "هنگامی که بلشویکها مبارزه مستقیم توده را در خیابانها رهبری میکردند احزاب سازشکار یعنی منشویکها و اسارها در شوراها کرسیهای وکالت را اشغال کرده و در آنجا اکثریت خود را تشکیل میدادند". نقل از صفحه ۲۱۱ همان کتاب. و حال برای اینکه صحت و سقم خط مشی حزب توده بر ما روشن شود روزنامه مردم شماره ۷۶ مورخ ۵/۸/۵۸ تحت عنوان "اتحاد ضامن پیروزی است" را مرور می‌کنیم.

"۲ - نکته دوم آنکه در مرحله کنونی انقلاب ایران (که خوشبختانه گویا همه قبول دارند انقلاب سوسیالیستی نیست بلکه انقلاب ملی و دمکراتیک است) اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و خلقی اعم از بینش و تعلق طبقاتی آنها شرط حیاتی است" با مرور به تاریخ حزب کمونیست شوروی در صفحه ۲۱۸ سیمای واقعی حکومت موقت (حکومت بورژوازی دمکراتیک) روسیه را چنین ترسیم شده می‌بینیم. "حکومت موقتی همیشه به سیاست مبارزه مخفی و روپوشیده بر ضد جنبش انقلابی توده و به سیاست بند و بست و دوز و کلکهای پس پرده‌ای بر ضد انقلاب قانع نمیگردید، و گاهی کوشش میکرد که به تعرض آشکار بر ضد آزادیهای دمکراسی مبادرت ورزد، و سعی داشت که به ویژه در میان سربازان انضباط را از نوبرقرار سازد، و در کارها نظم برپا کند، یعنی میخواستند که انقلاب را بدایره‌ای که برای بورژوازی لازم است درآورد". در چنین اوضاع "یک عده از کارکنان حزب (حزب بلشویک) در نتیجه اقامت طولانی در زندان یا تبعید عقب ماندگی سیاسی خود را ظاهر ساخته و بهمین سبب دچار تردید گشته بودند" نقل از صفحه ۲۱۷، واقعا

مثل اینکه تاریخ تکرار میشود و شرح فوق درباره شرایط کنونی کشور ما نوشته شده است . به گذشته نه چندان دور در میهن خود نظر می افکنیم که مطبوعات دمکراتیک در اولین روزهای انقلاب ایران چگونه مثل قارچ روئیدند و چگونه با این کلام امام خمینی رهبر انقلاب "که من روزنامه آیندگان را نمیخوانم" یورش محافل ارتجاعی و فالانژها به محل و چاپخانههای روزنامههای مردمی شروع شد و بالاخره از مرداد ماه سال جاری بیش از ۴۰ روزنامه و مجله دمکراتیک بسته شد و عدهای از کارکنان آنها هنوز هم در زندانهای دولت بسر میبرند و چگونه حزب توده همصدا با دولت و رهبری انقلاب و ارتجاع بخاطر جلب حمایت دولت و رهبری انقلاب از این حزب به مطبوعات آزاد و دمکراتیک حملهور شد و چگونه دولت سعی در تجدید حیات مجدد نیروهای مسلح نمود تا دوباره این ارتش ضد خلقی را سازمان دهد و در مقابل خواستههای به حق خلقهای ایران قرار دهد . حال به بینیم لنین این آموزگار خردمند پرولتاریا درباره چنین حکومتی چه نظری داده است . " درباره حکومت موقت لنین این شعار را به میان آورد "از حکومت موقتی هیچگونه پشتیبانی نباید کرد !" نقل از صفحه ۳۲۱ تاریخ معاصر . لنین در حکومت موقت به حزب و به طبقه کارگر روسیه چنین دستور داد :

"کارگران ! در جنگ داخلی بر ضد تزارسم شما معجزه‌هایی از قهرمانی پرولتری و توده‌ای بروز دادید باید در کار سازمان دادن پرولتاریا و عموم خلق هم شما ابراز معجزه نمائید تا وسایل پیروزی خویش را در مرحله دوم انقلاب نیز فراهم سازید ." این بود حقایقی چند درباره انقلاب در کشور شوراها و انطباق آن با وضع فعلی ایران و انطباق خط مشی حزب توده با این حقایق غیر قابل انکار . دستگاه رهبری کنونی حزب توده عمدتاً از دو گروه تشکیل یافته است . گروه اول تبعیدی‌ها یا بعبارت بهتر فراریهای پس از کودتای ۲۸ مرداد به خارج از کشور و گروه دوم که زندانی طولانی بوده‌اند . ما با اشاره به تاریخ معاصر دیدیم که خصلت این افراد همیشه این بوده است که به علت اقامت طولانی در زندان یا تبعید ، عقب ماندگی سیاسی پیدامی کنند . و این شعار حزب توده یعنی "جبهه متحد خلق" به رهبری امام خمینی را اگر به دوز و کلک برای حمایت از خرده بورژوازی در مقابل بورژوازی ملی که به جای بورژوازی وابسته تکیه زده ، نسبت ندهیم در مرحله کنونی

انقلاب ایران که روحانیت خود از اجزاء حکومت و رهبری آنرا در دست دارد بر مبنای قانون تکامل مندی اجتماع ازدید ماتریالیسم دیالکتیک یک شعار درستی نمیتواند باشد. " جبهه متحد خلق " میتواندست قبل از انقلاب بهمن ماه سال گذشته به رهبری کمونیستها با در برگرفتن قسمتی از خرده بورژوازی و عناصر ملی آزادیخواه برای مبارزه و در هم کوبیدن دیکتاتوری شاه و بورژوازی وابسته و امپریالیسم در صورت رهبری صحیح شعار مناسب و عمل شایسته باشد. ولی حال که این طبقه رهبری انقلاب را تصاحب نموده و روی تضاد طبقاتی و منافع کمونیستها هم در حرف و هم در عمل از طرف همین رهبری و حکومت طرد میشوند و یکی از لبه های تیز مبارزه حکومت وقت به سوی آنهاست ، شعار عقب مانده بوده و شعار روز نیست . نقش سازشکارانه حزب توده و جانبداری آن از روحانیت و آدمهایی مثل قره نی ، مدنی استاندار خوزستان و خلخالی رئیس دادگاه انقلاب ، گاهی این حزب را در مخمصه قرار میدهد . از جمله آنهاست موقعی که خلخالی دو نفر از اعضای حزب توده را نیز در غرب کشور همراه سایر انقلابیون راستین به جوخه اعدام میسپارد. اینجاست که جان اعضای حزب توده برای رهبران آن حزب ارزشی ندارد .

حکومت فعلی به تبعیت از پایگاه اجتماعی و عقیدتی خود قصد دارد انقلاب پویا و پرتحرک مردم ایران را بنحوی مهار کرده و با مسائل فرعی مشغول و سرگرم سازد تا نتواند به مسائل جدی ترجمه برسد . و طبعاً حزب توده که این همگامی را نشان میدهد برای اینکه بتواند به فعالیت های علنی خود ادامه دهد مجبور است در تئوری و عمل به نحوی با مسائل برخورد نماید که بهانه بدست حکومت و طرفداران آن ندهد و این چیزی است که فاصله آن حزب را با آرمان طبقه کارگر بیشتر میسازد و خط مبارزه آشفته گردیده و برای قشری از توده مبارزه جوی و آماده جهت گیری صحیح سرگردانی بوجود آید .

در اینجا بجاست اشاره به روز " همبستگی امام و امت " در چهارم آبان ماه سال جاری که دستگاه حاکمه آنرا اعلام و از مردم دعوت به راهپیمائی کرده بود گردد و حزب توده نیز بوسیله روزنامه مردم از اعضای و طرفداران خود خواسته بود با شرکت در این راهپیمائی همبستگی صمیمانه و صادقانه خود را یکبار دیگر با امام خمینی باثبات برسانند. شعارهایی که در این راهپیمائی از طرف شرکت کنندگان

داده میشد عبارت بودند از:

— مرگ بر امپریالیسم شرق و غرب.

— آمریکا ، شوروی ، دشمنان خلق ایران.

— خلق کرد با ایمان ، از شر این بی دینان آزاد باید گردد .

واقعا برای کسانی که ادعا میکنند م — ل هستند شرم آور است که در دادن چنین شعارها ، ارتجاع و دشمنان سوسیالیسم و خلقهای تحت ستم ملی ایران را همراهی نمایند!

رهبران حزب توده نیروهای راستین م — ل در میهن ما و از جمله آنها چریکهای فدائی خلق را نیروهای کم تجربه چپ نام میبرند. در اعلامیه کمیته مرکزی به مناسبت سی و هشتمین سالگرد تأسیس حزب توده نوشته اند "نیروهای کم تجربه چپ با برخی برخوردهای نادرست و غیر واقع بینانه آب به آسیاب ضد انقلاب میریزند و راه را برای پیشرفت آن هموار میسازند". از اینها باید پرسید نیروهای کم تجربه افراطی چپ کدام نیروهاست؟ و چه آبی به آسیاب ضد انقلاب ریخته اند؟ چرا شما رهبران حزب توده مثل یک کمونیست که ادعای آنرا دارید شجاع نیستید؟ چرا تحلیل روشنتری نمی کنید؟ اگر ریگی به کفش ندارید چرا همیشه در لفافه حرف میزنید و مینویسید؟ بنظر شما کسانی که در مبارزه بین حکومت سرمایه داران با طبقه کارگران را میگیرند چپ افراطی هستند؟ عنوانی که آنها برحزب خود نهاده اند یعنی حزب طبقه کارگر بیشتر به مسخره شبیه است!

آقایان رهبران حزب توده آنهایی را که در جنگ بین خلقهای تحت ستم ملی و حکومت مرکزی، حکومت ارتجاعیون\* در جهت خلقها با ارتجاع به جنگ برمیخیزند چپ افراطی مینامند! سران حزب توده هشت سال مبارزه سراسر خونین را در دوره سفاکترین پلیس مخفی جهان بی تجربه می دانند و شاید همینطور مبارزه در عصر "عاری از مهر" را و شاید به همین دلیل خردمندان به بوده است که حزب توده را تعطیل کرده بودند!

گفتیم که رهبران حزب توده برای اینکه نتوان دستشان را خواند در لفافه حرف میزنند و چیز مینویسند، خوبست در اینجا مروری به روزنامه مردم شماره ۶۳ مورخ ۵۸/۷/۱۹ تحت عنوان "به برادرکشی در کردستان باید هرچه زودتر پایان



داده شود" نمائیم .

در سر لوحه به خط درشت سطر ۳

" برادران بدون هیچ دلیل به جان هم افتاده‌اند " واقعا برای یک حزبی که ادعای م - ل دارد خنده‌دارتر از این چیزی نیست که دلیل جنگی را بی‌علتی توجیه نماید! و در ستون اول سطر ۷ "از مخمصه خونینی که بدست امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع در کردستان بپا شده" در اینجا جواب جمله قبلی را میدهد منتها در اینجا نیز جبهه‌گیری خود را روشن نمیکند که عوامل نامبرده کدام طرف را بجان دیگری انداخته است در ستون دوم سطر ۲ "خلق کرد به بقایای نظام طاغوتی که همچنان در کردستان باقیمانده است و یکی از اجزاء آن ستم‌ملی است معترض است و حقوق حقه ملی خود را در چارچوب وحدت ملی و تمامیت ارضی - می‌طلبد" . اگر این مطلب درست است پس نوشتن و ادعا کردن "برادران بدون هیچ دلیل به جان هم افتاده‌اند" چه موردی میتواند داشته باشد؟ خوب این را می‌گویند تجربه که جبهه‌گیری برای کسی مشخص نباشد! تا مبادا بهانه بدست - حکومت و طرفداران آن بدهد خوب ، پس میتوان به دستگاه رهبری حزب توده "سازشکار" نام گذاشت امیدواریم این آقایان در لابلای جملات پر طمطراق این را نیز به بی‌تجربگی نسبت ندهند .

جمع‌بندی:

۱ - دستگاه رهبری حزب توده هر دو گروه به عقب‌ماندگی سیاسی دچارند و گروه مهاجر به علت مسئول بودن در شکستهای قبلی از طرف توده حزبی که قبلا با آنها همکاری داشته‌است و همچنین در ذهن توده‌ها متهم به خیانت نیز میباشند بنا بر این، این حزب برای توده‌ها جاذبه‌ای نداشته زیرا توده جهت‌گیر همیشه در عصر رقابتها جذب صداقت و پایمردی میشود. تصور باطلی نخواهد بود که بگوئیم سازمان چریکهای فدائی خلق این شانس را بهمین دلیل از سایر گروه‌ها و احزاب م - ل ربوده است .

۲ - جبهه‌گیری حزب توده در کنار روحانیت و خرده بورژوازی حاکم این حزب را از آرمان و خواسته‌های طبقه کارگر که این حزب مدعی مدافع آنست دور

میکنند و در جانب‌داری از حقوق‌حقه خلقهای تحت ستم ملی ایران به تناقض‌گوئی و امیداردموضع فعلی این حزب مرتجعانه بوده و دقیقاً به معنی واقعی کلمه رویزیونیستی و اپورتونیستی است .

۳- حزب توده ایران بر خلاف ادعای رهبران آن چون به مدت ۲۵ سال از مبارزه طبقه‌کارگرایران و سایر طبقات محروم برکنار بوده حزب طبقه‌کارگر نمیباشد ، مگر نه اینستکه حزب طبقه‌کارگر عبارت از سازمانی که افراد آن برای دفاع و پیشبرد آرمان طبقه کارگر متشکل گردیده و وظیفه آگاهی دادن ایده سوسیالیستی را به جنبش خود به خودی طبقه کارگر بعهدہ گرفته‌اند .

۴- گرچه اثر وجودی این حزب در بلند مدت ناچیز می‌باشد ولی در کوتاه مدت در بین م- ل‌ها تفرقه و جدائی ایجاد نموده و مجموع نیروهاییکه باید صرف مبارزه با دشمنان خلق گردد عملاً مصروف مبارزه درونی میگردد و این مبارزهای است که به ناچار برای انتخاب اصلح به م- ل‌ها تحمیل شده و حتماً باید با قاطعیت و پیگیری از طرف م- ل‌های واقعی افشاگری و مبارزه شود .

در حال حاضر تنها نیروی سالم چپ که عملاً از آرمان طبقه کارگر و سایر طبقات محروم و حقوق‌حقه خلقهای تحت ستم ملی ایران دفاع میکند " سازمان چریکهای فدائی خلق " می‌باشد بر اعضاء و هواداران این سازمان است که ضمن رعایت کامل اصول پنهانکاری در شرایط فعلی با کار پیگیر و توده‌ای بین طبقه کارگر و سایر طبقات زحمتکش و محروم و خلقهای تحت ستم ملی ایران در جهت آرمانهای آنها مبارزه و انقلاب را پیش برند .

و بر این سازمان است که در رویارویی با حوادث آینده به پروسه نظامی در لحظه‌های سرنوشت ساز آینده کم بها ندهد در غیر اینصورت شکست حزب توده در نهضت ضد امپریالیستی و ضد استبدادی ایران در ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ این بار نصیب این سازمان پیشرو خواهد شد .

عده‌ای از اعضاء و طرفداران سابق حزب توده

(ک. آ. رش)

پاسخ به مقاله روزنامه مردم "ارگان حزب توده"  
خطاب به چریکهای فدائی خلق و هوادارانشان

(چرا جای شما در جشن ضدامپریالیستی مردم خالی است)

پاسخی باهشدار (به مقاله مندرج در روزنامه مردم شماره ۸۹ یکشنبه ۲۰ آبانماه سال جاری تحت عنوان "سخنی باهشدار به چریکهای فدائی خلق و هوادارانشان، چرا جای شما در جشن ضدامپریالیستی مردم خالی است") به اپوزیونیستها و رویزیونیستهای دستگاه رهبری حزب توده.

آقایان، شما همه چیز را همینطور قلب و حقایق را وارونه میکنید؟ در آنجائیکه در این مقاله شاهد از "راه فدائی شماره یک ص ۵۶" آورده‌اید "ما باید بدانیم که در مبارزه علیه انحصارطلبی مذهبی تنها نیستیم. اپوزیسیون مرتجعی مانند بختیار و یا بطور کلی بختیارسم نیز وجود دارد". چرا در اینجا باقی جمله را که آنرا کامل میکند دزدیده و غورت داده‌اید؟ و بخواننده خود اگر دسترسی به نوشته راه فدائی نداشته باشد چنین تفهیم میکند که آنها یعنی فدائیان خلق و هوادارانشان با اپوزیسیون بختیار در یک صف و یکرديف میباشند.

چرا آنرا با اصالت نوشته "راه فدائی" به خورد خواننده خود که با مضمون زیر است نمیدهید؟ "ما باید بدانیم که راه مبارزه علیه انحصارطلبی مذهبی تنها نیستیم، اپوزیسیون مرتجعی مانند بختیار (ویا بطور کلی بختیارسم) نیز وجود دارد که میخواهند جامعه را برطبق منافع بورژوازی کمپرادور درآورند". برای هر انسان با شرفی تا همینجا نیز پاسخگوئی به شما در وارونه جلوه دادن حقایق که در این مقاله سعی در آن نموده‌اید کفایت میکند ولی بگذارید به همه آن ابتکارات و پیشنهادهای که از مغزهای توانای شما در لابلای کلمات پرطمطراق بروی کاغذ تراویده است پاسخ گفته باشیم:

در آنجائیکه در این مقاله فدائیان و هوادارانشان را مخاطب قرار داده و نوشته‌اید "زیرا شما هنوز مشی تثبیت شده‌ای، چارچوب مشخص و شناخته شده‌ای از خود ارائه نداده‌اید" اینجا نیز واقعا مطلب و ادعا وارونه است این فدائیان خلق و هوادارانشان و خلق ما هستند که نقش شما را درک نمیکنند و این شما هستید که با وجود ادعای م - ل راه و روشتان با ادعایتان جور در نمی‌آید مگر نه اینست که شما مدعی م - ل شعارجبهه متحد خلق به رهبری روحانیت نماینده خردم - بورژوازی را میدهید و این آقایان اکنون حکامات قدر قدرت این خلق ستمکش میباشند و در مجلس خبرگان نشان قوانینی را برای این ملت تدوین میکنند که قوانین قرون وسطائی است و یک شبه خود را فرمانده کل قوا مینامند و دستور حمله به خلق تحت ستم ملی کرد را میدهند و ده ها نفر از فرزندان مبارز این خلق را بدون محاکمه به جوخه اعدام میسپارند. اما در مورد امپریالیسم جهانخوار امریکا چارچوب فدائیان خلق بعنوان م - ل مشخص و مشی آنها کاملا تثبیت شده میباشد در این خصوص اگر شرافت حفظ اصالت واقعیت‌ها را داشته باشید میتوانید به نشریات آنها رجوع کنید .

پاسخ به : "جز اینست که در کشورهایی نظیر ما آزادی واقعی از مسیر مبارزه با امپریالیسم میگذرد و بدون پیروزی در این معبر جهانی آزادی سرابی بیشتر نیست."

آقایان باشرف! این خلق ما بود و فدائیان خلق نیز در صفوف آنها که با شاه خائن و نوکر سرسپرده امپریالیسم جهانی مبارزه کردند و این مبارزه منجر به راندن شاه خائن شد یا مبارزه شما ؟

شما رستاخیز سیاهکل را که الهام بخش هزاران جوان مبارز این مملکت به مبارزه رهاییبخش شد بوجود آوردید یا فدائیان خلق ؟

شما حتی تا کیسال قبل که خلق ما در مبارزه با رژیم سفاک شاه و اربابان آمریکائیش هزاران شهید به خون خفته داد کجا بودید ؟

شما بر سر سفره‌ای نشستهاید که به قیمت خون هزاران شهید خلق ما آماده شده است و پرحرفی هم میکنید . برای اینکه به شما ثابت نمائیم که نیروهای سیاسی با تکیه بیشتر بر جنبه عمده انقلاب است که باید وظایف مبرم سیاسی و تاکتیک و

استراتژی خود را تنظیم کنند " از شما می‌خواهیم که به نشریات فدائیان خلق در اینخصوص رجوع کنید مخصوصاً به شماره‌های روزنامه کار ۳ خرداد ۵۸ تحت عنوان "امپریالیسم جنایتکار آمریکا به چه چیز اعتراض میکنید؟" کار شماره ۱۰ خرداد ۵۸ تحت عنوان "آقای یزدی پشتیبانی صریح شما از آمریکا مبارزات ضد امپریالیستی مردم را کاهش نخواهد داد" کار شماره ۱۵ خرداد ۵۸ تحت عنوان "امپریالیسم آمریکا چه حکومتی برای ایران می‌خواهد" و...

و اما درباره (دوستان در بسیاری از ضرب‌المثل‌های عامیانه و مردم حکمتی است که اصلیت خود را از تجربه مستمر توده‌ها وام گرفته است. "اینکه جلوی ضرر را از هر کجا بگیری منفعت" است نسخه شفا بخشی است که امروز بکار می‌آید اما غیر از این به شهامت انقلابی اعتراف به خطا نیز احتیاج است.

کسانی دم از شهامت انقلابی اعتراف به خطا دم می‌زنند که از شهامت بوئی نبرده‌اند، شما آقایان، که چنین ادعائی از شهامت میکنید تا پارسال کجا بودید؟ شما در مقابل کسانی دم از شهامت می‌زنید که ۸ سال تمام با سفاکترین و جنایتکارانه‌ترین رژیم در جهان مبارزه نظامی - سیاسی کرده‌اند و این نیز از شرف شماست. شمائی از اعتراف به خطا دم می‌زنید که خون ریخته شده دهها افسر شریف این مملکت و دهها توده‌ای مبارز و شریف به گردن شماست و شمار هیچ اعترافی تاکنون در این باره نکرده‌اید.

شمائی دم از اعتراف به خطا می‌زنید که هنوز اعتراف نکرده‌اید که چگونه مبارزه ضد امپریالیستی و ضد استبدادی خلق ما را به سهم خودتان در ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ منجر به شکست قطعی نمودید و یک ربع قرن از این مملکت فراری شدید.

آقایان، این نسخه شفا بخش شما که توصیه میکنید بوی سازشکاری و باز هم خیانت میدهد و داروی تجویز شده در این نسخه مهوع و دل‌درد آور است. و اما درباره این مطلب: "دریچه‌های دنیای ذهنی خود را بگشائید و به کوچمه‌ها و خیابانها قدم بگذارید و با واقعیت آنطور که هست نه آنطور که شما میخواهید باشد آشتی کنید. این سخن از سر بدخواهی و فرصت طلبی نیست." ما در پاسخ می‌گوئیم دقیقاً این سخن از سر بدخواهی و فرصت طلبی است. شما که شرافت حفظ

اصالت نقل‌قولی و نوشته‌ای را ندارید چگونه می‌توانید انسانهای صالحی برای اندرز گوئی باشید؟ شما در این مقطع خاص از زمان می‌خواهید اصیلترین نیروی ضدامپریالیستی را که دشمن اصلی خلق ما را امپریالیسم جهان‌خوار آمریکا می‌شناسند و با آن مبارزه می‌کند با فرصت طلبی و مزورانه به لجن بکشید. خلق ما شما و فدائیان خلق و هواداران‌شان را بخوبی می‌شناسد و بخوبی میدانند که چه کسی صادقانه در راه تحقق آرمانهای آنها مبارزه می‌کند. شما هم این را بخوبی میدانید ولی تلاش مذبح‌خانه می‌کنید که چهره کریه خود را مردمی و مبارز نشان دهید. استقبالی که خلق ما از شما و فدائیان خلق می‌کنند گویای این واقعیت است. بخاطر بیاورید و مقایسه کنید کمیت و کیفیت جمعیتی را در دعوتی که در ۱۲ آبان‌ماه جاری "قانون دانش‌آموزان ایران" که شما آنرا کارگردانی می‌کنید برای تجلیل از مبارزه دانش‌آموزان کشور در سال ۵۷ کرده بودو دعوتی را که برای این منظور دانش‌آموزان پیشرو در پلی‌تکنیک تهران بعمل آورده بودند.

بجاست دوباره تکرار کنیم:

— آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران است

مردم میهن ما

نمی‌خواهند آمریکا نفت ما را به غارت برد

نمی‌خواهند کارخانه‌های ما وابسته به آمریکا باشد

نمی‌خواهند بازارهای ما از محصولات آمریکائی پر باشد

نمی‌خواهند عمال آمریکا آزادانه در کشور ما به توطئه چینی پردازند.

مردم میهن ما

خواهان لغو کلیه قراردادهای اقتصادی، نظامی، سیاسی، و فرهنگی با آمریکا

هستند.

بپا می‌خیزیم، متحد می‌شویم، پیکار می‌کنیم، پیروز می‌شویم.

"نقل از تراکت منتشر شده توسط سازمان چریکهای فدائی خلق"

اما، آقایان، این شماست که خط مبارزه تان مشخص و تثبیت شده نیست و

مثل همیشه مخدوش است و تلاش مذبح‌خانه می‌کنید که خط مشی اصول‌دیگران را که با قانون تکامل‌مندی ماتریالیسم دیالکتیک مطابقت دارد مخدوش نمائید، این —

تلاش عبث و بیهوده است این را آینده به شما نشان خواهد داد .  
عده‌ای از اعضاء طرفداران سابق حزب توده  
و هواداران کنونی فدائیان خلق

( د . آرش )

یکشنبه ۲۱ آبان ماه سال ۱۳۵۸

۱۵ ریال

دیجیتال کننده کتاب : نینا پویان